

مقاله پژوهشی

## تحلیل سبک‌شناسی و آسیب‌شناسی دو اثر عرفانی-عاشورایی (آتشکده نیر تبریزی و گنجینه الاسرار عمان سامانی)

برات محمدی\*، علیرضا قربانپور

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

آبان ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۹۰، صص ۱۹۷-۱۸۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.4444

### نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** آتشکده نیر تبریزی و گنجینه الاسرار عمان سامانی دو اثر فاخر ادبیات فارسی هستند که سرایندهانشان برای اولین بار با نگرشی عرفانی به شرح واقعه عاشورا پرداخته‌اند. بررسی و تبیین مسائل سبکی، نکات قوت و ضعف این دو اثر فاخر در حوزه ادبیات عاشورایی و تحلیل محتوای آنان جهت غنا بخشیدن به آموزه‌های عرفانی ناب اسلامی و فرهنگ دینی از اهمیت خاصی برخوردار است.

**روش مطالعه:** پژوهش پیش رو مطالعه‌ای توصیفی-تحلیلی است که داده‌های مورد نیاز آن به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است. آثار مورد مطالعه گنجینه الاسرار عمان سامانی و آتشکده نیر تبریزی می‌باشد.

**یافته‌ها:** سرایندهان این منظومه‌ها فراوان از امکانات زبانی و ابزارهای هنری و ادبی بهره گرفته‌اند تا علاوه بر توصیف وقایع عاشورا و نمودن فضایل و رذایل، بخشی از جهان بینی شیعه را با نگاه عاشقانه و عارفانه به تصویر بکشند. استفاده از تعبیرات و ترکیبات عرفانی، تمثیل‌گرایی، نمادپردازی، طبیعت‌گرایی، تلمیح به آیات و احادیث قدسی و به‌کارگیری اسلوب مناظره از ویژگی‌های بارز ادبی و سبکی این دو منظومه است.

**نتیجه‌گیری:** با وجود همه این برجستگی‌های ادبی و سبکی، در برخی مواقع مباحثی چون بیان شطحیات، ترک ادب شرعی در تصاویر مرتبط با اولیاء، خلط افسانه و تاریخ و استناد به روایات ضعیف در دو منظومه قابل مشاهده است.

تاریخ دریافت: ۱۵ مهر ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۹ آبان ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۰۵ آذر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۲۰ دی ۱۴۰۱

#### کلمات کلیدی:

عمان سامانی، نیر تبریزی، گنجینه الاسرار، آتشکده، شعر عاشورایی.

\* نویسنده مسئول:

barat.mohammadi@iaau.ac.ir

۰۲۳۳۶۹۷۱۶ (+۹۸ ۴۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

**Analysis of stylistics and pathology of two Theosophy \_ Ashoraien works (Atashkadeh Nayer Tabrizi and Ganjineh Al-asrar Omman Samani)**

A.R. Gorbanpour, B. Mohammadi\*

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 October 2022  
 Reviewed: 10 November 2022  
 Revised: 26 November 2022  
 Accepted: 10 January 2023

KEYWORDS

Omman Samani, Nayer Tabrizi, Atashkadeh, Ganjineh Al-asrar, Ashoraien poem

\*Corresponding Author

✉ [barat.mohammadi@iau.ac.ir](mailto:barat.mohammadi@iau.ac.ir)

☎ (+98 44) 33369716

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Two Theosophy \_ Ashorein Atashkadeh Nayer Tabrizi and Ganjineh Al-asrar Omman Samani are two costly works in Farsi literature which their singers for the first time with a “Theosophy” mind(That contains a large number of purports and containing literature and Farsi poem) explained “Ashora” event(which it itself is a sea of Shiite.religious learnings) and it is presented to Iran.s culture and literature .So.scrutiny of these kind of works and making clear of points in weakness and strength in these two costly works in district of “Ashoraien” literature.

**METHODOLOGY:** This research is based on library studies and descriptive analytical method. The study version belongs to Atashkadeh Nayer Tabrizi and Ganjineh Al-asrar Omman Samani.

**FINDINGS:** And the explanation and analyzation of their containing for increasing to unique “Theosophy” “Islamic” learning in Farsi poem and literature and “Ashoraien” culture contain very specific importance. The singers of these epopee use highly from the language possibility and art and literary instruments. So that; In addition to description “Ashora” events and showing goodness and badness with using of element of image and fancy try to show the theory of “Shiite” with “lovely” and “theosophy” look.

**CONCLUSION:** In these two epopee some of particular sensible literary and styles are used such as: using of “Theosophy” comments and compounds .Allegory .symbolism.naturalism.Allusion to signs (miracles) and holy discourse and using of disputation method. Furthermore, all these literary egregious, sometimes, some discussions are seen which include the impression of the “Sufi sect. thought(mind) and to statement the river of life and neglect of literary master. rank and mixture of history and legend and refer to weak narrative and so on.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.4444](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.4444)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 <b>9</b>	 <b>0</b>	 <b>0</b>

## مقدمه

شعر عاشورایی به شعری گفته میشود: «که پیرامون قیام الهی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، اخبار مبتنی بر شهادت ایشان و یارانش، توصیف شخصیت‌های عاشورا، توصیف صحنه‌های جنگ کربلا، حوادث قبل و بعد از آن و نیز از پیوند تاریخ و تطبیق تاریخ با آن حادثه سخن میگوید» (کافی، ۱۳۸۸: ۳۵). شعر آیینی بصورت مرثیه‌سرایی، مناقب‌خوانی، مقتل‌خوانی و نوحه‌سرایی تبلور یافته که همه از جلوه‌های زیبا و متنوع تاریخ ادبیات تعلیمی و غنایی زبان فارسی هستند. شعر عاشورایی با عمری نزدیک به هزار سال در ادبیات فارسی و عمری بیش از ۱۳۰۰ سال در ادبیات عرب، سبب شده همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد؛ عده‌ای مرثیه‌سرایی و نوحه‌خوانی را به چند هزار سال قبل از اسلام در ایران نسبت میدهند: «مردمان بخارا را در کشتن سیاووش نوحه‌ها است، چنانکه در همه ولایتها معروف است و مطربان آن را سرود میگویند و قوالان (نوازندگان) آن را گریستن مغان خوانند و این سخن زیادت از سه هزار سال است» (گلی زواره، ۱۳۷۹: ۱۲۰).

رواج تعزیه و نیاز به شعر تعزیه از دوره صفویه و بعد از آن شدت گرفته و در عصر قاجار به اوج خود رسید. در مجموع این دوره عصر تازگیهای شعری در این زمینه است. خستگی از مضمونهای خیالی و دور از ذهن سبک هندی و تقلید و تکرار نهضت بازگشت ادبی، موجب ابتکار نوینی در سرودن منظومه‌های عاشورایی شد. «آفرینش منظومه‌های متعدد با موضوع خاص شعر عاشورایی و با نظرگاه‌های حماسی و عرفانی، تعداد شاعران، پیدایش شاعرانی که انحصاراً با موضوع مذهب و عاشورا سخن‌سرایی میکنند، آفرینش شعر نوحه و شعر تعزیه و... این گونه ادبی را در عصر قاجاریه برجسته نموده است» (کافی، ۱۳۸۸: ۲۹۴). قرائت عرفانی از عاشورا، بازگشت به سبکهای گذشته، طبع‌آزمایی روحانیون و علمای دینی سبب شد شاعران ویژه‌سرای عاشورایی، همچون نیر تبریزی و عمان سامانی، برای اولین بار در طول تاریخ شعر آیینی پدید آیند.

## بحث و بررسی

## معرفی منظومه‌های نیر تبریزی و عمان سامانی

آتشکده نیر تبریزی (۱۳۱۲ - ۱۲۴۸ هـ. ق): میرزا محمدتقی حجة الاسلام متخلص به «نیر» روز پنجشنبه دوازدهم جمادی‌الاول سال ۱۲۴۸ هـ. ق / ۴ آبان ۱۲۱۱ شمسی در تبریز به دنیا آمده است. وی به سه زبان فارسی، عربی و ترکی شعر میگفت. نیر تبریزی در دوازدهم رمضان ۱۳۱۲ هـ. ق به رحمت ایزدی پیوست. دیوان اشعارش شامل سه بخش مثنوی آتشکده، لاکلی منظومه و غزلیات است. مثنوی آتشکده تعداد ابیاتش ۲۰۸۶ است که در سال ۱۳۰۹ هـ. ق در بحر رمل مسدس محذف سروده شده است. این منظومه در رثای امام حسین (ع) و مصیبت خاندان آن حضرت است که شاعر با نگاه عرفانی، گزارشی عاشقانه از این واقعه دردناک در چهل‌ویک قسمت ارائه داده است. کتاب با عهدنامه حضرت سیدالشهدا و خطبه وی در شب عاشورا آغاز شده و با ورود اهل بیت امام به مدینه منوره و شکرگزاری و عفوخواهی شاعر از بارگاه حق خاتمه میپذیرد.

گنجینه الاسرار عمان سامانی (۱۳۲۲ - ۱۲۵۸ هـ. ق): میرزا نورالله مشهور به عمان سامانی و ملقب به تاج‌الشعرا یکی از شاعران دوره قاجار است. مهمترین اثرش گنجینه‌الاسرار است که در قالب مثنوی و در ۸۳۰ بیت در بیان وقایع کربلا به زبان رمز و بر مشرب عرفان به سبک، شیوه و وزن زبده‌الاسرار صفی علیشاه سروده است (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۲۰). کتاب دارای یک دیباچه مسجع آمیخته به نظم است که در توحید باری تعالی، نعت پیامبر (ص) و ائمه اطهار و بیان علت کتابت به رشته تحریر درآمده است. متن اصلی کتاب در چهل‌ویک بخش تنظیم

شده که شاعر در آغاز هر بخش، چکیده‌ای با نثری شیوا و آهنگین و مزین به احادیث، عبارتها و اصطلاحات عرفانی آورده که به نوعی دربردارنده محتوای آن قسمت میباشد.

### ویژگیهای سبکی آشکده

**تصویرسازیهای زنده و ملموس:** نثر با الهام از بهار، گل، سوسن، سرو، نسرين، شمع، پروانه و ديگر عوامل طبيعي پيرامونش از قبيل صبح، خورشيد، ماه، آسمان، دريا، و طوفان، تابلوهایی اعجاب‌انگيز خلق کرده است. نمونه این توصیفات ملموس همین وصف صبح است که آمیزه‌ای از زیباییهای سحرگاهان و رخدادهای خونین است:

چون سحرگه چهره صبح سفید شد ز پشت خیمه نیلی پدید  
 آسمان گفתי گریبان کرده چاک در فراق آفتابی تابناک  
 خور ز مشرق سر برهنه شد برون چون سر یحیی میان تشت خون  
 (دیوان نثر تبریزی: ص ۵۵)

تشبیه در دسترس‌ترین و بهترین ابزار کار نثر در تصویرسازی وقایع عاشوراست. برای نمونه، گرد آمدن کوفیان دور تا دور امام را از نگاه عبدالله بن حسن (ع) با استفاده از تشبیه چنین ترسیم میکند:

کوفیان گردش سپاه اندر سپاه چون به دور قرص مه شام سپاه  
 تاخت سوی حربگه نالان و زار همچو ذره سوی مهر تابدار  
 (همان: ص ۸۹)

یاوران‌ش گرد او گشتند جمع / راست چون پراونگان بر دور شمع (همان: ص ۵۲)

خواهران شاه نظاره ز پی / چون بنات النعش بر گرد جدی (همان: ص ۷۹)

شاعر علاوه بر تشبیه، از استعاره، کنایه، تشخیص و پارادوکس نیز برای تصویرسازی استفاده کرده است:

از صدف بارید آن در یتیم / عقد مروارید تر بر روی سیم (همان: ص ۹۰)

دید آن گل‌چهرگان غمزده گلشنی در کسوت ماتمکده  
 گلبنان در وی ولی خشکیده برگ چشم نرگس سرگران از خواب مرگ  
 کرده نیلوفر به بر نیلی لباس یاسمین از سوگواری غرق یاس  
 (همان: صص ۱۳۲-۱۳۳)

**حسن مطلعهای زیبا و براعت استهلال:** در تمامی منظومه‌های چهارویک قسمتی آشکده، در آغاز هر قسمت حسن مطلعی زیبا و براعت استهلالی جذاب، موجز و لبریز از صنایع ادبی با استفاده از عناصر طبیعی پیرامون شاعر آورده شده است. بعنوان نمونه، حمله لشکر دشمن به خیمه‌گاه اهل بیت (ع) را اینگونه موجز با استفاده از عناصر طبیعی بیان میکند:

شد چو خورشید امامت در حجاب سر برآوردند خفاشان ز خواب  
 سوی خرگاه امامت تاختند کافران دیر از حرم نشناختند  
 (همان: ص ۱۲۷)

در قسمت سی و چهار، وقتی قرار است از چرخاندن دختران و بانوان امام حسین (ع) در کوفه سخن بگویند از کلماتی چون قرص شید، سربرهنه و نیلگون استفاده میکند تا از رخدادی تلخ حکایت کرده باشد:

چون سحرگه قرص شید آمد برون / سربرهنه زین حجاب نیلگون (همان: ص ۱۴۲)

به‌کارگیری صنایع لفظی و معنوی: منظومهٔ آتشکدهٔ نیر تبریزی مشحون از آرایه‌های ادبی و آراستگی‌های هنری میباشد. تسلط بر کلام منظوم و ذوق سرشار نیر سبب شده کمتر بیتی از این منظومهٔ عاشورایی به زیور صنایع ادبی مزین نشده باشد. آرایه‌هایی از قبیل جناس، تضاد، تکرار، اغراق، تجاهل‌العارف، و ایهام در سراسر منظومه به کار گرفته شده‌اند:

شبه وی در خُلق و خُلق و منطقم / کوکب صبحم نبوت مشرقم (همان: ص ۵۲)

بس که درهم بود دور روزگار / شد به یک گلشن خزان جفت بهار (همان: ص ۸۱)

دست گیر ای دست خلاق قدیر / ای تو جمله انبیا را دستگیر (همان: ص ۶۱)

آن چنانش بر زمین کوبید سخت / کاستخوان با خاک یکسان گشت و پخت (همان: ص ۷۰)

افکند شور از نوای العراق / در حجاز از پرده پوشان عراق (همان: ص ۹۲)

گره زدن وقایع عاشورا با مصائب انبیای الهی و استفادهٔ تمثیلی از وقایع: از همان ابیات آغازین شرح واقعهٔ کربلا، از آلام انبیای الهی یاد شده است. از انبیاپی چون حضرت محمد (احمد، مصطفی) بیست‌وهشت بار، حضرت ابراهیم بیست‌وپنج بار، حضرت ایوب شش بار، حضرت نوح ده بار، حضرت یوسف سی‌وهفت بار، حضرت یونس چهار بار، حضرت سلیمان سیزده بار، حضرت یحیی شش بار، حضرت موسی شانزده بار، حضرت داوود یک بار، حضرت لوط یک بار، حضرت هود یک بار، حضرت خضر چهار بار، حضرت اسماعیل شش بار، حضرت یعقوب هفت بار، حضرت هابیل سه بار، حضرت جرجیس یک بار، حضرت آدم هفت بار و حضرت عیسی چهل‌ویک بار یاد شده است:

این سر یحیی به تشت خون فرود / یا مسیحایی‌ست بر دار یهود (همان: ص ۱۵۱)

دستگیر یوسف اندر چه تویی / رهنمایی کن که خضر ره تویی (همان: ص ۱۱۴)

ای تو بالا برده روح الله را / کرده‌القا بر یهود آشباه را (همان: ص ۶۱)

وجه دیگر این همه استناد و اشاره به وقایع انبیای الهی در گزارش واقعهٔ کربلا همانگونه که خود نیر اذعان کرده، نگرش تمثیلی به موضوع و برقراری رابطهٔ تشبیهی است:

نک منم مصر ملاحت را عزیز	ای زلیخا هین مجوی از من گریز
من سلیمانم مرا عصمت سریر	مهلاً ای بلقیس روی از من مگیر
هین منم یعقوب و تو راحیل من	فهم کن سر من از تمثیل من
اندر این وادی که روی آورده‌ام	نیست بیخود یوسفی گم کرده‌ام

(همان: ص ۱۲۶)

به‌کارگیری ترکیبها و اصطلاحات بدیع: کمتر بیتی از منظومهٔ نیر وجود دارد که در آن ترکیبی زیبا، بدیع و بجا آورده نشده باشد. این منظومه مشحون از ترکیبهای دلکش است که شاعر مضامین عرفانی را با مطالب حزن‌انگیز عاشورایی تلفیق و با نازک خیالیه‌ها در کنار هم قرار داده است. ترکیبهایی از قبیل جام محنت، مرغ آتش ۱۰/۶۵؛ پستان عشق، قربان عشق ۱۱/۶۹؛ میدان عشق، چوگان عشق ۶۹/؛ سرمست صهبای غرور ۱۴/۵۴؛ خون جام دل ۱۹/۵۴؛ صحرای الا الله ۱۰/۵۱؛ حبیب‌بن حبیب ۱۲/۵۰؛ عجز عشق کیش ۲۱/۵۳ و ... .  
عاشقان کز جام محنت سرخوشند / آب کی نوشند؟ مرغ آتشند (همان: ص ۶۵)  
داده یادش مام عصمت جای شیر / در ازل خون خوردن از پستان تیر (همان: ص ۸۶)

**طبیعت‌گرایی:** نگاه آسمانی شاعر سبب شده همچون منجمی از ستاره‌ها، قوانین حاکم بر آنها، طبقات آسمان، طلوع و غروب آفتاب و امثال آن استفاده کند. در عین حال وقتی به زمین برمیگردد، از آب، دریا، چشمه و کوه میگوید و به دامن طبیعت که می‌رود از نرگس، شقایق، سوسن، لاله، و ارغوان یاد میکند. نثر در منظومه خود از ۲۹ حیوان از قبیل شیر، روباه، گرگ، غراب، عقاب، تذرو، اژدها، زاغ، طاووس، خفاش، کبش، و قطا نام برده است و رابطه تشبیهی برقرار نموده است:

از دو نرگس بر شقایق ژاله‌بار / شد به سوی خیمه آن گلگون عذار (همان: ص ۵۲)

خواهران شاه نظاره ز پی / چون بنات‌التعش بر گرد جدی (همان: ص ۷۹)

تو خلیل و کبشِ املح نک منم / مـرغزار عشق باشد مسکنم (همان: ص ۹۱)

**رعایت ادب:** نکته حائز اهمیت در کلام این شاعر شریعت‌مدار و طریقت‌مرام، رعایت ادب است. از امام حسین (ع) در نهایت احترام با القابی از این قبیل یاد میکند: شاه دین، شاه تشنه، زاده شیر خدا، عنقای قاف عشق، شه گلگون قبا. حتی در خصوص دشمنان حضرت، خلاف اشعار تعزیه که آغشته به عناوینی از قبیل حرام‌زاده است اجتناب میکند و اغلب آنان را با نام مادر خطاب میکند؛ مانند: زاده هند، زاده مرجانه و...

زاده مرجانه از مستی، قضیب / میزدش بر حقه لعل رطیب (همان: ص ۵۴)

شاه دین در خیمه با اصحاب راد / در نیاز و راز با رب العباد (همان: ص ۱۴۶)

**سادگی و روانی کلام:** قرابت زبان نیر با سعدی، سبب شده بجز مواردی معدود، کلام شاعر روان و واژه‌ها عموماً ساده باشند. قرابت زبان ادبی این دوره با عامه مردم و استفاده از این اشعار در روضه‌خوانیهای اباعبدالله الحسین (ع) و همجواری آن با تعزیه‌ها، این شاعر عالم را وادار کرده علی‌رغم نگاه عاشقانه و عرفانی برخاسته از ذوق ادبی خود، از زبان مردم و برای مردم بسراید:

چون در آن دشت بلا افکند بار	کرد از بیگانگان خالی دیار
عاشر ماه محرم شامگاه	شد به منبر باز شاه کم سپاه
یاوران‌ش گرد او گشتند جمع	راست چون پروانگان بر دور شمع

(همان: ص ۵۲)

**استفاده از اسلوب مناظره:** مناظره‌ها در منظومه آتشکده، گاه عاشقانه، گاه عارفانه و گاهی عالمانه و عقلانی هستند. او قریب به بیست‌ویک مناظره در لابلای اشعارش آورده است. برای نمونه در مناظره حضرت قاسم با دشمن در کنار عشق‌بازی، استدلالهایی منطقی ارائه میکند:

کاسب خود را داده‌ای آب ای لعین	گفت: آری، گفت و یحک شرم بین
اسب تو سیراب و فرزند رسول	نک ز تاب تشنگی از جان ملول

(همان: ص ۸۲)

مناظره در شعرهای نثر تا حدودی متأثر از ادبیات تعزیه است که در عصر قاجار بسیار مورد توجه بوده است. **استفاده از واژه‌ها، اصطلاحات و مضامین عرفانی:** آتشکده نثر تیریزی بیشتر لحن عارفانه دارد. استفاده از این همه واژه و اصطلاح عرفانی حکایت از نگرش عرفانی وی و تأثیرپذیری از بزرگانی چون مولوی، سنایی و دیگر عرفا است:

لاابالی نیست دست‌افشانیم / جعفر طیار را من ثانیم (همان: ص ۶۶)

کی حبیبی دور ماند از حبیب      رو فروخوان در نئی «انی قریب»  
آنکه در بحر فنا مستغرق است      تا بود حق با وی و وی با حق است  
(همان: ص ۱۳۹)

**اقتباس آیات، احادیث و درج عبارتهای عربی:** کمتر بی‌تی در مثنوی آتشکده وجود دارد که اقتباس آیه‌ای از قرآن، روایتی، ترکیب و اصطلاحی عربی و یا تلمیحی به داستان انبیای الهی و حدیث قدسی در آن به چشم نخورد. شاید به این دلیل که نیر از فحول علمای تبریز بوده و بر معارف قرآنی و ادبیات عربی تسلط داشته است:

علویان از بهر دفع چشم بد / خواند بر وی «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (همان: ص ۵۶)  
ای همایون قرعه اقبال من / کآیه «لا تقنط» آمد فال من

پس به امر در دُرُج «لَوْ كُشِفَ» / شد مه و خورشید در برج شرف (همان: ص ۸۰)

رمز «كُنْتُ كَنْزٌ» بودش سر به سر / زیر آن لبخند شیرین مستتر (همان: ص ۸۸)

پس شود با حضرت عرش آفرین / بر سریر «لی مع اللہی» مکین (همان: ص ۱۳۸)

کامدش ناگه به گوش از دشت کین / شاه دین را صیحه «هل من مُعین؟» (همان: ص ۸۱)

**تأثیرپذیری از مولوی، حافظ و سعدی:** در کل منظومه آتشکده، سیزده بیت از مثنوی معنوی تضمین شده است. بعضی از این بیتها آنچنان هنرمندانه به کار رفته‌اند که خواننده بدون اینکه متوجه شود، خود را در دریای بیکران مثنوی مولانا مییابد. نکته دیگر اینکه وی از شاعران دوره بازگشت ادبی است که از آثار برجسته شاعران سبک خراسانی و سبک عراقی تأثیر پذیرفته است. قرابت او بجز مولوی، سعدی و حافظ با شاعران سبک خراسانی به حدی است که گاه اشعار آنان را به یاد می‌آورد:

گر به گهواره سخن گفتن مسیح / خود گواهی بود آن نطق فصیح

«کاین همه آوازا از شه بود / گرچه از حلقوم عبدالله بود» (همان: ص ۱۳۶)

گرچه وقت جانفشانی دیر شد / «مهلتی بایست تا خون شیر شد» (همان: ص ۸۷)

**به‌کارگیری اصطلاحات و آموزه‌های آیین مسیحیت:** تسلط شاعر بر اصطلاحات و واژه‌های مسیحیت که تحت تأثیر جغرافیای آذربایجان و همجواری با دیگر ادیان، از شاعر تبریزی، خلفی صادق از نیاکان شعری خود همچون خاقانی ساخته است. در چند بخش از منظومه چنان از واژه‌ها، مضامین و آیین مسیحیت در تلفیق با حادثه عاشورا در شعرش استفاده میکند که گویی کشیشی مسیحی واقعه‌نگاری میکند. برای نمونه، در دو قسمت از این منظومه (آمدن جوان نصرانی جهت قتل حضرت و واقعه دیر و اسلام آوردن راهب) خواننده به تردید میفتد که یک روحانی ایرانی مسلمان با این اشعار طبع‌آزمایی کرده است:

در نوامیس نصاری و یهود	نام جدم فرقلیط و مود مود
ایلیا و شنطیا باب من است	نام من هوشین شقیقم هاشن است
غسل عیسی گر ز نهر اُردن است	غسل تعمید من از خون من است
ننگ تثلیث از رخ ناموس شست	بر یکی پیوست و از باقی گسست

(همان: ص ۱۲۰)

من بر آنم که تویی دادار رب / عیسی «ابن» و روح «ناموس» و تو «أب» (همان: ص ۱۵۲)

واژه‌های همچون طیلسان، دیر، راهب، اسقف، ناقوس، فیلوس، ساعیر، و خشور، و تربیع چلیپا در شعر نیر استفاده شده است.

**مقایسه و تقابلهای نغز:** مقایسه‌ها در منظومه نثر از مقایسه مضامین و مفاهیم و دو گروه اولیا و اشقیا فراتر رفته و گاه این مقایسه برای ملموس شدن در دو مصراع یک بیت صورت میگیرد که جذابیت آن را دوچندان کرده است: شمر دون سرمست صهبای غرور / شاه دین سرشار مینای حضور  
پور سعد از ذوق سرگرم و مست / شاهی از اقلیم شسته دست (همان: ص ۵۴)  
پور سفیان سرخوش از جام غرور / قدسیان گریان از آن بزم سرور (همان: ص ۱۵۵)

### ویژگیهای سبکی گنجینه الاسرار عمان سامانی

به کارگیری واژه‌ها، مضامین و اصطلاحات عرفانی: وحدت وجود بعنوان محوریت‌ترین آموزه عرفانی در سراسر این منظومه جریان دارد. در کمتر بیتی اتفاق میفتد که در آن بطور مستقیم یا در لابلای نقل وقایع، به واژه‌ای یا مفهومی عرفانی اشاره نشده باشد. برای نمونه در بیت زیر چندین اصطلاح عرفانی به کار گرفته شده است: دستی اندر قبض و بسط و عزم و فسخ دستی اندر قهر و لطف و طرح و نسخ (گنجینه الاسرار: ص ۱۱۷)

به کارگیری قریب به سیصد اصطلاح و مفهوم عرفانی در یک منظومه هشتصدوسی بیتی بهترین گواه بر برجستگی عرفانی این منظومه است. بیگمان در این منظومه، شاعر با دستمایه قرار دادن واقعه عاشورا و با استفاده از تمثیل، مضامین عرفانی و رموز سیر و سلوک را هنرمندانه در قالب مثنوی ریخته و با تلفیقی از تاریخ، حماسه، مقتل، عرفان و ذوق ادبی به شرح وقایع عاشورا پرداخته است: ساقیئی با ساغری چون آفتاب / آمد و عشق اندر آن ساغر، شراب  
پس ندا داد ا و نه پنهان، بر ملا / کالصلا ای باده‌خواران! الصلا (همان: ص ۴۲)  
هم فنا را هم بقا را رونقیم / فانی اندر حق و باقی در حقیق (همان: ص ۱۰۷)

**استفاده از زبان رمز و تمثیل:** عمان با استفاده از رموز، بیشتر خوانندگان را به حظ ادبی دعوت کرده است. آب رمز است و با ترکیباتی چون آب تعلق و آب تعین، رموز آن را به اثبات رسانده است. تشنگی و عطش رمزی است از طلب عشق. برای نمونه وقتی حضرت علی اکبر بعد از نبرد به پیش امام (ع) برگشته و طلب آب میکند، امام برای فهماندن عطش خود به پسر، لبهایش را بر لب پسر میگذارد. برخوردی که عمان با این موضوع دارد، کاملاً رمزی و نمادین و عارفانه است:

این عطش رمزست و عارف، واقفست	سرّ حقست این و عشقش کاشفت
دید شاه دین که سلطان هداست	اکبر خود را که لبریز از خداست
عشق پاکش را بنای سرکشی است	آب و خاکش را بنای آتشی است
مهر آن لبهای گوهرپاش کرد	تا نیارد سر حق را فاش کرد

(همان: ص ۱۲۴)

عمان برای بیان مضامین عرفانی، از شخصیت‌های کربلا بعنوان تمثیل استفاده میکند؛ مثلاً پس از طرح موضوع پیر و رابطه مرید و مراد و اینکه وی آیین تجلی نور الهی است، با طرح سؤالی که چرا حر از کفر به ایمان پا گذاشت؛ موضوع هدایت حر را نتیجه دستگیری پیر میداند و با استناد به نظر خاقانی شروانی آن را به اتمام میرساند. البته این روند تمثیلی در مورد اشقیایی همچون شمر نیز در منظومه وی اتفاق میفتد: این بیانم از سر تمثیل کرد / نفس را بر نفس حر تأویل کرد (همان: ص ۹۳)



**گره زدن مصائب کربلا با وقایع انبیای الهی:** عمان در مجموع از دوازده پیامبر الهی یاد میکند که عبارتند از: حضرت یوسف دو بار، حضرت هابیل یک بار، حضرت آدم دو بار، حضرت نوح یک بار، حضرت ایوب یک بار، حضرت ابراهیم یک بار، حضرت یونس یک بار، حضرت یعقوب یک بار، حضرت موسی سه بار، حضرت سلیمان یک بار، حضرت خضر دو بار و حضرت محمد (ص) (احمد) یک بار.

تا سر یعقوب از آن پر شور شد / از غم یوسف دو چشمش کور شد (همان: ص ۶۶)

**تصویرگری (ایماژ):** تصویر از عناصر اصلی و اساسی شعر است و حتی گفته‌اند که «شعر گونه‌ای از بافندگی و نوعی تصویر است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۳۹). همین دو بیت از عمان آنچنان در تصویرگری قدرت دارد که گویی تابلوی مقابل بینندگان به نمایش درآمده است. به کارگیری انواع صور خیال مانند تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه سبب تصویری‌سازی شده است:

پس ز جان بر خواهر استقبال کرد / تا رخس بوسد، الف را دال کرد

همچو جان خود، در آغوشش کشد / این سخن آهسته بر گوشش کشد (گنجینه الاسرار: ص ۱۳۲)

دور گشت از شکرستانش مگس / در گلستان مرادش خار و خس (همان: ص ۷۷)

پیش پای شوق زنجیری مکن / راه عشقست این، عنانگیری مکن (همان: ص ۱۳۲)

دید شه لب را به دندان میگذرد / کز تو اینجا پرده داری میسزد (همان: ص ۱۳۷)

زن مگو، خاک درش نقش جبین / زن مگو دست خدا در آستین (همان: ص ۱۳۰)

**به کارگیری صنایع لفظی و معنوی:** تنوع آرایه‌ها سبب شده سهم ادبی این اثر فاخر از سایر برجستگی‌های عقب نماند. انواع آرایه‌ها از قبیل ترصیع، موازنه، انواع جناس، واج‌آرایی، تکرار، عکس، ذوقافیتن، ارسال‌المثل، تجاهل العارف، ایهام، و ایهام تناسب به کار گرفته شده است تا منظومه شکل هنری به خود بگیرد:

تا بیوسم آن رخ دلجوی تو / تا ببویم آن شکنج موی تو (همان: ص ۱۳۰)

گوش عشق، آری زبان خواهد ز عشق / فهم عشق، آری بیان خواهد ز عشق (همان: ص ۱۳۳)

خواست تا بر خرمن جنس زنان / آتش اندازد «أنا الاعلی» زنان (همان: ص ۱۳۷)

مژه داری احتیاج تیر نیست / پیش ابروی کجبت شمشیر چیست (همان: ص ۱۱۶)

قابل اسرار دید آن سینه را / مستعد جلوه، آن آئینه را (همان: ص ۱۳۶)

شرحی ای صدر جهان این سینه را / عکسی ای دارای حسن، آئینه را (همان: ص ۱۳۵)

کای عنانگیر من آیا زینبی؟ / یا که آه دردمندان را شبی؟ (همان: ص ۱۳۲)

**اجمال و ایجاز در نقل وقایع:** عمان بیشتر بدنبال فرصتی برای تبیین مضامین عرفانی بوده، لذا کمتر به گزارشگری پرداخته است. برعکس به مدد وقایع کربلا، آموزه‌های عرفانی خود را القا کرده است. مثلاً در یک قسمت بیست‌ویک بیتی برای اذن میدان حضرت علی اکبر (ع) فقط این سه بیت، به اصل موضوع اشاره دارد؛ مابقی بیان مضامین عرفانی است:

از تعلق، پرده‌ای دیگر نماند / سدا راهی، جز علی اکبر نماند

آمد و افتاد از ره، با شتاب / همچو طفل اشک، بر دامان باب

کای پدر جان! هم‌رهان بستند بار / ماند بار افتاده اندر ره‌گذار

(همان: ص ۱۱۱)

البته این نکته به این مفهوم نیست که شاعر از نقل وقایع کربلا غافل بوده، بلکه آن را به چاشنی حماسه که ریشه در جغرافیای زندگی شاعر دارد آمیخته است. ایجاز در واقعه‌نگاری سبب شده کمتر به افسانه‌ها و افزودنیهای بی‌پایه حادثه کربلا دامن بزند.

**روانی وزن و آهنگ کلام:** بحری که عمان برای مثنوی خود برگزیده «رمل مسدس محذف» است. وجد و حالی که از سیر و سلوک با عمان در مثنوی شریفش به خوانندگان دست میدهد درخور توجه است. ریتم و ضرب‌آهنگ موسیقی کلامش گاه بسیار تند و رقصان میشود و واج‌آرایه‌های اشعارش سماع مستانه‌ای را متصور میسازد:

دستی اندر احتیاج و در غنا	دست دیگر در بقا و در فنا
دستی اندر یأس و دستی در امید	دستی اندر ترس و دستی در نوید
دستی اندر قبض و بسط و عزم و فسخ	دستی اندر قهر و لطف و طرح و نسخ
دستی اندر ارض و دستی در سما	دستی اندر نشو و دستی در نما
دستی اندر لیل و دستی در نهار	در خزان دستی و دستی در بهار

(همان: ص ۱۱۷)

**خلق ترکیبهای بدیع:** تلفیق اصطلاحات عرفانی با کلمات رایج در واقعه عاشورا سبب شده عمان ترکیبهایی نو و منحصر بسازد از قبیل: مردآفرین روزگار، بنت الجلال، صهبای آگاهی، زینب‌اللهی، اخت‌الوقار.

زن مگو مردآفرین روزگار / زن مگو بنت الجلال، اخت‌الوقار (همان: ص ۱۳۰)

سرخوش از صهبای آگاهی شدم / دیگر اینجا زینب‌اللهی شدم (همان: ص ۱۳۱)

**استفاده از اسلوب مناظره:** واقعه کربلا نقل یک جنگ بوده که بطور طبیعی رجزخوانی یکی از ویژگیهای آن است. مطلب دیگر اینکه شاعر به بیان زبان حال در قالب مناظره میپردازد و همچنین برای معرفی افکار و ذوقش از زبان شخصیتها، مناظره‌هایی را بیان میکند. مناظره‌هایی از قبیل مناظره عاشق و معشوق (ص ۷۴)، حضرت با ذوالجناح (ص ۱۲۷)، حضرت با حضرت زینب (ص ۱۳۰)، حضرت با زعفر (ص ۱۵۳) و جبرئیل با امام (ع) (ص ۱۶۴).

گفت اینک آدمم من ای کیا! گفت: از جان آرزومندم، بیا!  
گفت بنگر، بر زدم آستین گفت من هم بر زدم دامان، ببین  
(همان: ص ۷۵)

**تأثیرپذیری از حافظ، مولوی، محمود شبستری، سعدی، سنایی، ابوسعید ابی‌الخیر و خاقانی:** در مجموع آنچه از اسلوب و شیوه شاعری عمان استنباط میشود این است که در قصیده پیرو استادانی چون خاقانی و سعدی است و لحن و طنطنه کلامش به سخن ناصر خسرو و خاقانی شبیه است. در مثنوی که قالب دلخواه وی است، پیرو مولانا است و در مضامین عرفانی نگاهی به زبده الاسرار صفی‌علیشاه اصفهانی داشته است. در مجموع چهارده بیت بصورت تضمین آورده است؛ از حافظ شش بیت، از سعدی دو بیت، از مولوی دو بیت، از خاقانی یک بیت، از سنایی یک بیت، از شیخ محمود شبستری یک بیت و از ابوسعید ابی‌الخیر یک بیت استفاده کرده است:

ز آن سبب گفت آن حکیم شیروان ره‌شناس قیروان تا قیروان:  
نفس دیدم بد چو زنبوران نخست و آخرش چون شاه زنبوران، درست  
(همان: ص ۹۳)

این تأثیرپذیریها علاوه بر تضمینها، در مضامین هم صورت میگیرد. اگر به این بیت از عمان دقت شود:

«آن حجاب از پیش چون دور افکنی / من تو هستم در حقیقت تو منی» (همان: ص ۱۱۵)

مضمون همین بیت در دیوان حافظ شیرازی بزیبایی آمده است:

«میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست / تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز» (دیوان حافظ: ص ۳۶۰)

### آسیب‌شناسی منظومه نیر تبریزی

**عدم سیر منطقی (ضعف ساختار روایی):** آتشکده یک منظومه چندبعدی است که یک بُعد آن گزارشگری حادثه‌ای جانگداز است که مرور صحنه‌های آن منطبق با تاریخ کربلا باید باشد، اما متأسفانه شاعر شاخه به شاخه می‌پرد؛ مثلاً در مباحثه حضرت زینب با امام (ع)، شهادت حضرت قاسم و علی‌اکبر (ع) را یادآور می‌شود. در حالیکه در بخش‌های بعدی خبر از شهادت آنها می‌دهد، یعنی توالی وقایع رعایت نشده است:

داغ قاسم آن مه نادیده کام بس ز بهر ناله تا بازار شام
داغ مرگ اکبر آن سرو سهی تا قیامت بس ز بهر هم‌رهی

(همان: ص ۷۰)

که در شرح شهادت علی‌اکبر (ع) دو صفحه بعد می‌گوید:

دور چون بر آل پیمبر رسید / اولین جام بلا اکبر چشید (همان: ص ۷۲)

**استناد به روایات ضعیف:** موضوعاتی از قبیل عروسی حضرت قاسم (ع) اگرچه در بعضی منابع کربلا آمده ولی بشدت مورد انتقاد و تکذیب بزرگانی چون شهید مطهری (ره) قرار گرفته است، و در این منظومه آمده است. یا چهره خستن و معجز از سر گرفتن برای دختر امام (ع) (فاطمه صغرا) با آموزه‌های امامت بعید به نظر می‌رسد:

قاسم آن نوباوه باغ حسن گوهر شاداب دریای محن
شیرمست جام لبریز بلا تازه داماد شهید کربلا

(همان: ص ۷۸)

**شطحیات صوفیانه:** برخی سخنان نیر شبیه شطحیات صوفیانه است، همانگونه که وی در جایی می‌گوید: «من ز روح و ابن اب آن سوترم کردگار «لم یلد» را مظهرم» (همان: ص ۱۵۲). از این سخنان مکرر در منظومه وی به چشم می‌خورد:

شعله‌روی خودنمایی میکند فاش دعوی خدایی میکند
فتنه دل‌های آگاه است این دعوی «انا الله» است این

(همان: ص ۱۵۱)

خون او خون خداوند ودود / گر نبود آن خون، خداوندی نبود (همان: ص ۱۲۲)

اگرچه شطحیات بخشی از زبان ادبیات عرفانی می‌باشد، از زبان یک فقیه با پیشینه پدر، بیشتر شبیه تأثیرپذیری از افکار شیخیه را به ذهن متبادر میکند که در مشربشان متمایل به اغراق در باب مقامات ائمه (ع) هستند:

هستی افراشته از هست من است / دست مبسوط خدا دست من است (همان: ص ۱۰۶)

نیر آنجا که برای وقایع، نقل متقن تاریخی وجود دارد به تشریح موضوع پرداخته و حتی برای مسائل غیبی و شهودی استدلال می‌آورد؛ مثلاً در بخش سی‌ودو برای وقایع روز سوم بعد از حادثه و صحبت بدن‌های بی‌سر با امام سجاد (ع)، دلایلی محکم بیان میکند و تا آنجا پیش می‌رود که از صوفیگری اعلان تبری می‌کند؛ اما متأسفانه بلافاصله بعد از آن آمدن غراب از کربلا بر سر بام فاطمه صغری (س) را آورده و درصدد اثبات آن برمی‌آید. نکته

دیگر اینکه با اعلان برائت از تصوف چرا به شطحیاتی که نکته‌مقابل آموزه‌های فقهی است، روی میکنند؟ آیا اینها تأثیر افکار شیخیه نمیتواند باشد؟

**خلط افسانه و تاریخ:** رفتن امام (ع) در ببحوحه جنگ به یاری پادشاه هند برای رهایی از دست شیران یا آمدن بعضی فرشته‌ها برای یاری امام (ع) یا آمدن غراب از کربلا، بیشتر به اسطوره‌ها و افسانه‌ها شبیه هستند تا نقل گزارش یک واقعه آن هم به این مهمی:

اندر این حال آن هزبر رزمکوش      کآمدش صوتی ز هندوستان به گوش  
کای غیاث المستغیثین ای مجیرا!      دست شیران دستگیرم دست گیر  
شاه دین لبیک گوین بی‌درنگ      سوی هندوستان شد از میدان جنگ  
(همان: ص ۱۱۴)

**غفلت از رعایت شأن اولیا:** در جایی از حضرت عباس (ع) با عنوان عاجز و ذلیل نام میبرد که با وجود توصیفات زیبا و نغز از حضرت، این تعبیر آزاردهنده‌اند. البته همین بیت را با اندکی تغییرات باز شاعر از زبان حر در مورد خودش، سروده؛ گویا شاعر اصرار به تکرار آن دارد.  
درخصوص حضرت عباس (ع):

زاد حیدر با هزاران عجز و ذل / رو به خیمه کرد: کای سلطان کل  
(همان: ص ۶۷)  
از زبان حر:

جان به کف برگیر با صد عجز و ذل / سر بنه بر پای آن سلطان کل  
(همان: ص ۵۹)

**افعال کهن، واژه‌های متروک و مشکل:** کلماتی چون سلیل، صلصائل، قوم لد، قوم عتل، بضعه، قوم رعاع، بیعاره، مصدر هشتن و هلیدن با انواع مشتقات آن، انواع ترکیب‌سازیهایی که متأثر از ادبیات عرب است مثل خلط طینتین، نمونه‌هایی از کهنه‌گرایی شاعر است:

راند حجتها بر آن قوم جهول / آن سلیل مرتضی سبط رسول

میندانیدم مگر ای قوم لد / که منم فرزند سالار احد (همان: ص ۵۶)

چون روا باشد که این نورسته گل / خوار گردد دست این قوم عتل (همان: ص ۷۰)

**مضامین و ترکیبهای تکراری:** بیتها یا مصراعهای تکراری که گاهی فقط با تغییر یک واژه متمایز میشوند در بخشهای مختلف آتشکده نیز مشاهده میشود:

تر نکرده کام از او ماه عرب / ماهی از دریا برآمد خشک لب (همان: ص ۷۵)

آب در دریا و ماهی تشنه‌کام / تشنگان را آب خوش باد حرام (همان: ص ۷۵)

حیرت اندر حیرت آمد زین عجب / تشنگان سیراب دریا خشک لب (همان: ص ۱۰۴)

این تویی چون لاله گلگونت سلب؟ / آب در دریا و ماهی تشنه‌لب (همان: ص ۱۳۳)

چون سزد که جان سپارد با کرب / در کنار آب ماهی تشنه‌لب (همان: ص ۸۷)

### نقاط ضعف منظومه عمان سامانی

**رواج اصطلاحات و تعبیر عربی:** رواج عناصر عرفانی فهم این منظومه را برای عوام تا حدودی مشکل نموده است و علاوه بر آن، رواج واژه‌ها و ترکیبات عربی نیز بر زبان عمان سایه افکنده است. واژه‌هایی از قبیل استسقا، اخت الوقار، اطفا السراج، و تسویل زبان را از روانی و سادگی دور نموده است:

از به حیرت مانده اندر شام داج / آفتاب آمد برون، اطفی السراج (همان: ص ۵۲)

**تحریرات تاریخی:** هدف غایی عمان مقتل‌نویسی نیست؛ اما منظومه‌اش تا به امروز بهترین وسیله برای تهییج، توسط اهل منبر به کار می‌رود. اما در چند مورد استناد به خوابهایی که مبنای علمی ندارند و آوردن موضوعاتی از قبیل عروسی حضرت قاسم (ع)، فتح بایی برای منتقدان به این مجموعه فاخر شده است:

نازپرور نوعروسی هست بکر / مر مرا در حجله ناموس فکر (همان: ص ۱۲۰)

به نوعی عمان سامانی داستان عروسی حضرت قاسم را رهیافت مناسبی برای بیان برخی مطالب عرفانی دانسته و سعی داشته روایت و برداشت عرفانی از آن ارائه کند. شاید جعلی بودن داستان عروسی در روزگار شاعر، باندازه امروز آشکار نبوده و همین باعث خبط وی شده است (بررسیهای تاریخی شعر عمان سامانی، محمد زمانی: ۴۳۲-۴۷۰)

**شطحیات صوفیانه:** در شعر عمان برخی مواقع از زبان شخصیتها، شطح جاری میشود. برای نمونه کوس اناالحق از این بیت به گوش میرسد:

سرخوش از صهبای آگاهی شدم / دیگر اینجا زینب اللهی شدم (گنجینه الاسرار: ص ۱۳۱)

از این نمونه‌ها در این منظومه کم نیستند:

هست از هر مذهبی آگاهییم / الله الله من حسین اللهم

بنده کس نیستم تا زنده‌ام / او خدای من، من او را بنده‌ام (همان: ص ۷۰)

نیستم محتاج و بالذاتم غنی / هست فرع احتیاج این دشمنی (همان: ص ۱۱۸)

باید متذکر شد شاعر مثل دیگر مقاتل عاشورایی عصر خود، کمتر به روایتهای مستند و مطمئن علمی عنایت داشته و از همه مهمتر بنا به اذعان خود از صوفیه شاه نعمت‌اللهی بوده و ردپای مشرب ملامتی در اشعارش مشهود است و با وجود استفاده از زبان تصوف، تا حدی در شطحیاتش امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) را در ردیف حضرت باری تعالی قرار میدهد. ولی در جایی دیگر از غالیگری، حلولی، اشعری، اعتزالی و اتحادی تبرئ می‌جوید که همه این پارادوکسها متأثر از فضای عصر شاعر و افراط و تفریطهای اجتماعی است.

**ترک ادب شرعی در تصاویر مرتبط با اولیا:** برای نمونه در بیت زیر سقاییت حضرت عباس (ع) به شتری آب‌آور تشبیه شده که با توجه به منزلت حضرت و تمام توصیفهای زیبا و نغز شاعر این تشبیه آزاردهنده است. اگرچه این موارد بسیار اندکند، اما دور از شأن شاعری والامقام همچون عمان میباشد:

کرده از شط یقین، آن مشک پر / مست و عطشان همچو آب‌آور شتر (همان: ص ۹۵)

### نتیجه‌گیری

منظومه آتشکده نیر تبریزی و منظومه گنجینه الاسرار عمان سامانی، در زمینه شعر آیینی و عاشورایی از شاهکارهای ادب فارسی میباشد. سرایندگان این منظومه‌ها فراوان از امکانات زبانی و ابزارهای هنری و ادبی بهره گرفته‌اند تا علاوه بر توصیف وقایع عاشورا و نمودن فضایل و رذایل، با استفاده از عنصر تصویر و خیال، بخشی از جهان‌بینی شیعه را با نگاه عاشقانه و عارفانه به تصویر بکشند. استفاده از تعبیرات و ترکیبات عرفانی، تمثیل‌گرایی، نمادپردازی، طبیعت‌گرایی، تلمیح به آیات و احادیث قدسی و به‌کارگیری اسلوب مناظره از ویژگیهای بارز ادبی و سبکی این دو منظومه است. با وجود همه این برجستگیهای ادبی، در برخی مواقع نواقصی نیز در دو منظومه قابل مشاهده است. تصویرسازی، آراستن سخن با آرایه‌های لفظی و معنوی، ساخت ترکیبهای بدیع و مرتبط با شخصیتهای کربلا و

گره زدن وقایع جانسوز عاشورا با مصائب انبیای الهی، از برجستگیهای سبکی دو منظومه است. هرچند برخی تفاوت‌های سبکی هم دیده میشود، از جمله اینکه نثر تبریزی با استفاده از عناصر طبیعی، براعت استهلالهایی زیبا خلق کرده و آموزه‌های عرفانی را عاشقانه‌تر بیان داشته است، در حالیکه عمان سامانی مفاهیم عرفانی را با رموز و نمادها همراه ساخته است.

از منظر تاریخی و دینی منظومه آتشکده مقتلی است که باید با یک سیر منطقی و روایی واقعه عاشورا را تبیین کند. در حالیکه مطالب منظومه بر اساس سیر تاریخی نیست. برخی ماجراها بر اساس تخیل شاعر آورده شده و مبنای تاریخی ندارد و حضور اسطوره‌ها و افسانه‌ها در منظومه فراوان است. خیال‌انگیزی فوق‌العاده مثنوی آتشکده جهات مختلفی مییابد؛ مثبت و منفی؛ وقتی از دید هنری نگاه کنیم، تلاشهای شاعر ستودنی است اما اگر از دید روایی و دینی وارد شویم، باید بگوییم که گاهی افراط وی در خیال‌پردازی، او را از اصل ماجرای عاشورا منحرف کرده و سبب شده مسائلی را مطرح کند که واقعی نبوده و به چشم تحریفات نگریسته میشوند. از جمله این تحریفات غیرمستند، ماجرای «رفتن آن حضرت به یاری پادشاه هند» است! از جمله مثالهای دیگر «آمدن جوان نصرانی به قتل آن حضرت» است که گویا استناد صحیحی ندارد. هرچند اگر از غیرمستند بودن آن چشمپوشی کنیم و فقط از زاویه هنری به ماجرا بنگریم، شاعر یکی از زیباترین و خیال‌انگیزترین صحنه‌ها را با دستبرد در واقعیت آفریده است. افراط در توصیف مقام شخصیت‌های کربلا بویژه امام حسین (ع) و نوع سخنان شطح‌آمیز در زبان نثر تبریزی و عمان سامانی دیده میشود که ناشی از نگاه عرفانی و عقیدتی آنها به حوادث عاشورا است.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسندگان است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES

- Fotuhi, Mahmood. (2007). Fluency of image. Tehran: Sokhan.
- Gholi Zavare, Gholamreza. (2000). Exploring passion play. Tehran: Mehrass.
- Hafez Shirazi Shams al-din Mohammad. (2000). Book of Ghazals by Khalil khatib Rahbar, Tehran: Safialishah.
- Homaiei, Jalaladdin. (1978). The secrets and effects of the Karbala event. Tehran: Dehkoda Publication House.

- Kafi, Gholamreza. (2009). Accounts on the poetry of Zohr. Tehran: Mojtaba Farhangi Ashura.
- Mohammad Zamani, Javad. (2012). Historical studies of Amman Samani's poetry. In J. Mohammad Zamani & S. Borghae (Ed), Understanding Omman Samani. Qom: Gang-e- Erfan.
- Mojahedi, Mohammadali. (2000). The glory of Ashura poetry in Persian language. Qom: Paik Jalal.
- Nayer Tabrizi, Mirza Mohammad Taqi. (1999). Book of poems by Nayer Tabrizi (A romantic account of the events of Karbala). revised by Behrooz Sarvatiyan. Tehran: Beinolmelall.
- Omman Samani, Mirza Nurullah. (2007). Ganjineh Al-asrar. Tehran: Osveh.

#### فهرست منابع فارسی

- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۹). دیوان غزلیات. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.
- عمان سامانی، میرزا نورالله. (۱۳۸۶). گنجینه‌الاسرار. تهران: اسوه.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). شرح منظومه طهر. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- گلی زواره، غلامرضا. (۱۳۷۹). کندوکاوی در تعزیه و تعزیه‌خوانی. تهران: مهراس.
- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۷۹). شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی. قم: پیک جلال.
- محمدزمانی، جواد. (۱۳۹۱). بررسی‌های تاریخی شعر عمان سامانی. شناختنامه عمان سامانی. به کوشش جواد محمدزمانی و سیدحمیدرضا برقی، قم: گنج عرفان.
- نیر تبریزی، میرزا محمدتقی. (۱۳۸۷). دیوان نیر تبریزی (گزارش عاشقانه وقایع کربلا). تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۵۷). اسرار و آثار واقعه کربلا. تهران: کتابفروشی دهخدا.

#### معرفی نویسندگان

**برات محمدی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.  
(نویسنده مسئول: Email: [barat.mohammadi@iau.ac.ir](mailto:barat.mohammadi@iau.ac.ir))

**علیرضا قربانپور:** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.  
(Email: [ali\\_gh@yahoo.com](mailto:ali_gh@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Barat Mohammadi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.  
(Email: [barat.mohammadi@iau.ac.ir](mailto:barat.mohammadi@iau.ac.ir) : Responsible author)

**Alireza Gorbanpour:** Master's student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.  
(Email: [ali\\_gh@yahoo.com](mailto:ali_gh@yahoo.com))